



عقل گرایی نهج البلاغه پرتوی از خردگرایی قرآن کریم

(بخش نخست)

محمدحسن نادم

روش عقلانی قرآن در مسایل اعتقادی

بذر تفکر و تعقل در جزیره العرب نخستین بار با نزول آیات قرآن و دعوت پیامبر(ص) در دلها افشاندن شد. قرآن کریم در آیات فراوانی پیروان خود را به تعقل و تفکر فرامی خواند و با نکوهش از کسانی که عقل خود را به کار نمی گیرند بر اهمیت و ارزش عقل و اعتبار برهان تاکید می ورزد. قرآن همان گونه که پیروان خود را به تقوا امر فرموده به گفتار محکم و بااساس نیز مامور ساخته و از پیروی مطالب مشکوک بر حذر داشته است و با شیوه مردمانی که از سنن خرافی نیاکان خود پیروی می کنند سرسختانه مبارزه می نماید.

یوسف فرحات می گوید :

قرآن کریم سهم وافری در احیای عقل گرایی دارد زیرا اولین کتاب عربی ای است که با دلیل و برهان پیرامون وجود خدا و یکتایی او سخن می گوید و مردم را به تفکر و تعقل و بحث و بررسی و دقت دعوت می نماید. ۱.
نمونه هایی از این آیات :

(قبشر عبادی الذین یستمعون القول فیبعون احسنه اولئک الذین هدیهم الله و اولئک هم اولو الالباب) : پس بشارت ده به آن بندگان من که به آنچه گفته می شود گوش فرامی دهند و بهترین آن را پیروی می کنند؛ اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان ۲.

یا ایها الذین امنوا اتقوا الله و قولوا قولا سدیدا) : ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا پروا دارید و سخنی استوار

گوید . ۳)

(ان شر الدواب عندالله الصم البکم الذین لایعقلون) : قطعاً بدترین جنبندگان نزد خداوند ناشنویان و گنگ زبانانی اند که نمی اندیشند. ۴.

(و اذا قبل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا بل نتبع ما الفینا علیه ابا نا اولوکان آبائهم لایعقلون شیئا و لایهتدون) : چون

به آنان گفته شود از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید می گویند : نه بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن

یافته‌ایم پیروی می‌کنیم. آیا هر چند پدرانشان چیزی را درک نمی‌کرده و به راه صواب نمی‌رفته‌اند! (باز هم در

خور پیروی هستند) ۵

بعضی از آیات بنیان دعوت پیامبر(ص) را عقل بینایی حکمت و فهم برمی‌شمرد: (ادع الی سبیل ربک بالحکمه

والموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن): با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به

(شیوه ای) که نیکوتر است مجادله نمای ۶.

(قل هده سبیلی ادعوا الی الله علی بصیره انا و من اتبعنی): بگو این است راه من که من و هر کس پیروی ام

کرد با بینایی به سوی خدا دعوت می‌کنیم ۷.

بنابه فرموده قرآن کریم گفت و گوی پیامبر(ص) با مخالفان و اهل کتاب بر پایه خردورزی و ارائه برهان بوده

است: (و قالوا لن یدخل الجنه الا من کان هودا او نصاری تلک امانیهم قل هاتوا برهانکم ان کتم صادقین): گفتند

هرگز کسی به بهشت در نیاید مگر آن که یهودی یا ترسا باشد. این آرزوهای (واهی) ایشان است. بگو: اگر

راست می‌گویید دلیل خود را بیاورید ۸.

(و من یدع مع الله الها اخر لا برهان له به فانما حسابه عند ربه): و هر کس با خدا معبود دیگری را بخواند برای

آن برهانی نخواهد داشت و حسابش فقط با پروردگارش می‌باشد ۹.

تکیه بر این امور در فهم و درک قرآن کریم نیز مورد توجه است:

(انا جعلناه قرانا عربیا لعلکم تعقلون): ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم؛ باشد که بیندیشید ۱۰.

(افلا یتدبرون القرآن و لو کان من عند غیرالله لوجدوا فیه اختلافا کثیرا): آیا در (معانی) قرآن نمی‌اندیشید اگر

از جانب غیرخدا بود قطعا در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند ۱۱.

(کذلک یبین الله لکم آیاته لعلکم تعقلون): بدین گونه خداوند آیا خود را برای شما بیان می‌کند؛ باشد که

بیندیشید ۱۲.

(کتاب انزلناه الیک مبارک لیدبروا آیاته و لیتذکر اولوا الالباب): این کتابی است مبارک آن را به سوی تو نازل

کرده ایم تا در آیات آن بیندیشید و خردمندان پند گیرند ۱۳.

افزون بر این همه بعضی از آیات به طور ویژه به بحثهای عقلی و استدلالی می پردازد. درباره اثبات وجود خدا استدلالها از چهار ویژگی برخوردار است :

۱. تکیه بر منطق : (ام خلقوا من غیر شی ام هم الخالقون ام خلقوا السموات والارض بل لا یوقنون) : آیا از هیچ خلق شده اند یا آنکه خودشان خالق (خود) هستند ایا آسمانها و زمین را (آنان) خلق کرده اند (نه) بلکه یقین ندارند. ۱۴.

۲. توجه به قوه تفکر و عقلانیت بشر .

۳. نتیجه گیری از استدلالها اغلب به مخاطب واگذار شده است .

۴. با نشان دادن راه استدلال نتیجه را با استفهام انکاری مورد اشاره قرار داده است : (افی الله شک فاطر السموات والارض) : مگر درباره خدا - پدید آورنده آسمانها و زمین - تردیدی هست ۱۵.

از آیاتی که به وجود مبدا متعال اشاره کرده آیات سوره انعام (داستان حضرت ابراهیم) است ۱۶. در گفتار حضرت ابراهیم دلیل اثبات مبدا به صورت قیاس منطقی بیان شده است ۱۷.

اثبات یکتایی خداوند

قرآن کریم درباره یگانگی آفریدگار به صورت استدلالی و در قالب قیاس منطقی می فرماید : (قل لو کان فیهما الهه الا الله لفسدتا وجودداشت قطعاً آن دو (زمین و آسمان) [دیگر] جز الله . خدایانی [زمین و آسمان] فسبحان الله رب العرش عما یصفون) : اگر در آنها تباه می شدند . پس منزّه است خدا پروردگار عرش از آنچه وصف می کنند. ۱۸.

در این آیه قیاس استثنایی به کار رفته است که مقدمه آن در تقدیر است . مقدمه اول (لو کان فیهما الهه الا الله لفسدتا) یک قضیه شرطیه و مقدمه دوم آن رفع تالی مقدمه اول (نبود فساد در آسمان و زمین) است : « ولی آن دو تباه نشدند » با این دو مقدمه قیاس تشکیل می شود و با رفع تالی رفع مقدم اثبات می شود و نتیجه آن یکتایی خداست . به این برهان در فلسفه اسلامی « برهان تمناع » گفته می شود.

این آیه نیز گویای برهان تمناع است : (ما اتخذ الله من ولد و ما کان معه من الله اذا لذهب کل اله بما خلق و لعلنا

بعضهم علی بعض نبوده است و اگر [دیگر] سبحان الله عما یصفون عالم الغیب و الشهاده فتعالی عما یشركون) : خدا
فرزندى اختیار نکرده و با او معبودى جز این بود قطعاً هر خدایى آنچه را آفریده (بود) با خود مى برد و حتماً بعضی
از آنان بر بعضی دیگر تفوق مى جستند. منزه است خدا از آنچه وصف مى کنند؛ دانای نهان و آشکار و برتر است از
آنچه (با او) شریک مى گردانند ۱۹.

در آیه قبل برهان تمناع با علل فاعلی ارائه شد و در این آیه با علل غایی .

صفات خداوند

درباره صفات خداوند مى خوانیم :

(هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهاده هو الرحمن الرحیم هو الله الذی لا اله الا هو الملك القدوس
السلام المومن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشركون هو الله الخالق الباری المصور له الاسما الحسنی
یسبح له مافی السموات والارض و هو العزیز الحکیم : اوست خدایى که غیر از او معبودى نیست داننده غیب و
آشکار است . اوست رحمتگر مهربان اوست خدایى که جز او معبودى نیست همان فرمانروای پاک سلامت (بخش
(و) مومن (به حقیقت خود که) نگهبان عزتمند جبار (و) متکبر پاک است خدا از آنچه (با او) شریک مى گردانند.
اوست خدای خالق نوساز صورتگر که بهترین نامها (وصفات) از آن اوست . آنچه در آسمانها و زمین است تسبیح
او مى گویند و او عزیز و حکیم است (۲۰)

ان الله علی کل شی قدیر : به درستی که خدا بر همه چیز تواناست . (۲۱)

انما امره اذا اراد شیئان یقول له کن فیکون : چون به (آفرینش) چیزی اراده فرماید کارش این است که مى گوید
: باش پس (بى درنگ) موجود مى شود . (۲۲)

قرآن در بسیاری از موارد برای شناخت صفات خداوند انسان را به مطالعه در پدیده های عالم هستی دعوت مى
کند.

او لیس الذی خلق السموات والارض بقادر علی ان یخلق مثلهم بلی و هو الخلاق العلیم) : آیا کسی که آسمانها و

زمین را آفریده توانا نیست که (باز) مانند آنها را بیافریند! آری اوست آفریننده دانا . (۲۳)

(عالم الغیب والشہادہ الکبیرہ المتعال : دانای نھان و آشکار بزرگ بلند مرتبہ است . (۲۴)

در عصر رسول خداصلی اللہ علیہ والہ درآستانہ بعثت و نیز روزگار پس از ہجرت بہ سبب ناآشنایی مردمان نواحی مرکزی شبہ جزیرہ زمینہ ارانہ بحثہای استدلالی فراہم نبود و مہم ترین ابزار برای معتقد ساختن مردم بہ مبدا و معاد معجزہ شناختہ می شد. عرب بادبہ نشین حجاز کہ سراسر عمر خود را در بادبہ سپری کردہ بود کمتر با مسائل عقلی و برہانی آشنایی داشت . پس از پذیرش اسلام و اعتقاد بہ یکتایی خدا و روز واپسین بیشترین پرسشہای آنان در پیرامون موضوعات عادی زندگی و احکام بود و فرصت چندانی برای طرح مباحث برہانی فراہم نیامد. این نکتہ را نباید از نظر دور داشت کہ عرب از دیرباز بہ دارابودن فنون بلاغت شعر و خطابہ کہ باید آنہا را مہبت الہی دانست شہرہ بودہ است اما این ہمہ بیشتر ابزار اظہار عشق بہ معشوق ہای دنیوی و وسیلہ تفاخر و حماسہ آفرینی بود. گاہ فردی از آنان در پیرامون جنگہای ویرانگر عصر جاہلی صدها شعر گفتہ است کہ اینک در کتابہای برجای مانده از آن دوران ابیاتی از آن باقی است در این میان کمتر کسی یافت می شد کہ از سرشعور شعری بسراید کہ در بردارندہ حکمت و دانش و منشا ہدایت افراد باشد. نبوغ شعر و خطابہ آنان ہرگز زمینہ ساز گفتارہای استدلالی و مباحث عقلی نگردید و تفکری تازہ و پرسشی حرکت آفرین را در ایشان پدید نیاورد. با رحلت رسول خداصلی اللہ علیہ والہ و گسترش حوزہ فرمانروایی اسلام و فتح سرزمینہای تازہ موج جدیدی از رویکرد بہ اسلام بہ حرکت درآمد و سیل پرسشہای اعتقادی در پیرامون خداوند صفات او معاد و نبوت بالا گرفت این پرسشہا در عصر خلفا اغلب پاسخی نمی یافت مگر مواردی کہ امام علی (ع) بہ پاسخ دادن فراخواندہ می شد تا آنکہ امام علی (ع) خود عہدہ دار حکومت شد. علامہ طباطبایی در این بارہ می گوید : اولین فرد از میان امت اسلام کہ در مسائل اعتقادی از استدلالات منطقی و براہین فلسفی استفادہ نمود و الفاظ عربی را برای مقاصد فلسفی استفادہ

کرد حضرت علی علیہ السلام است . (۲۵)

چنان کہ پس از رسول خداصلی اللہ علیہ والہ تنها فردی کہ توانست با تکیہ بر دانشی کہ از آن حضرت فراگرفته بود از گفتارہای بی نظیر خود کتابی جاوید بہ یادگار نھد امیرمومنان علی علیہ السلام است . دکتر حسین الحاج حسن می نویسد : هیچ کس از ما شخصیتی مانند علی بن ابیطالب علیہ السلام و کتابی مانند نہج البلاغہ مشاہدہ

نکرده است. او بزرگ سخنوران اولین مسلمان دانشمند پیشوای ادیبان ارجمندترین شاگرد رسول خداصلی الله علیه و آله و پدید آورنده والاترین کتاب پس از قرآن است. نهج البلاغه دریایی سرشار از معارف است: پدیدآورنده اش پرورش یافته رسول خداصلی الله علیه و آله است. چه خوب او را تربیت کرد و آموزش دادا علی بن ابیطالب (ع) خود فرموده است: رسول خداصلی الله علیه و آله هزار درگاه دانش را بر من گشود که از هر درگاه آن هزار دریچه دیگر از علم بر من گشوده شد.

علی بن ابیطالب (ع) از آن معارف پندآموز و حکمتهای سرشار بوستانی در نهج البلاغه گردآورده است که همه مانند دسته گل‌های معطر و باران پرتنم مورد استفاده سخنوران است کتابی که ادیبان به گونه ای و فقیهان به شیوه ای دیگر از آن بهره می جویند. (۲۶)

مفسر بزرگ اهل سنت محمود آلوسی می گوید: «خطبه های نهج البلاغه برگرفته از نورانیت کلام خدا و خورشیدی است نورانی به نور منطقی پیامبر (۲۷)

بنابر این باید گفت علی (ع) در نهج البلاغه شیوه خدا را پی گرفته است و همان گونه که قرآن کریم مسائل اعتقادی را با استدلال عقلی بیان کرده آن حضرت نیز با فصاحت و بلاغت و سحر بیان همان راه را طی نموده است یافت. هانری کرین متفکر فرانسوی درباره نهج البلاغه می نویسد:

در واقع نهج البلاغه را می توان یکی از مهمترین منابع عقاید اندیشمندان شیعی به ویژه اندیشمندان دوره چهارم دانست. تاثیر این اثر را به شیوه های گوناگونی می توان حس کرد: ترتیب منطقی اصطلاحات استنتاج نتایج صحیح جعل برخی از اصطلاحات و زبان عربی که با توجه به غنا و زیبایی آن و مستقل از ترجمه متنهای یونانی به عربی در زبان ادبی و فلسفی وارد شده اند و برخی از مسائل فلسفی اساسی مطرح شده ... (۲۸)

در گفتار بعد برای اثبات هماهنگی و همراهی نهج البلاغه با قرآن کریم محورهای را مورد مطالعه قرار می دهیم

پاورقی

۱. الفسه الاسلامیه و اعلامها ص ۸.

۲. زمزم ۱۷.

۳. احزاب ۷۰.

۴. انفال ۲۳.
۵. بقره ۱۷۰.
۶. نحل ۱۲۵.
۷. یوسف ۱۰۸.
۸. بقره ۱۱۱.
۹. مومنون ۱۱۷.
۱۰. زخرف ۳.
۱۱. نسا ۸۲.
۱۲. بقره ۲۴۲.
۱۳. ص ۲۹.
۱۴. طوره ۳۵ و ۳۶.
۱۵. ابراهیم ۱۰.
۱۶. آیه ۷۵ - ۸۱.
۱۷. جوادی آملی مبدا و معاد ص ۱۶۱ - ۱۷۰.
۱۸. انبیاء ۲۲.
۱۹. مومنون ۹۱ و ۹۲.
۲۰. - حشر ۲۲ و ۲۴.
۲۱. - بقره ۲۰.
۲۲. - یس ۸۲.
۲۳. - یس ۸۱.
۲۴. - رعد ۹. اقتباس از حیات تعلی اسلام.
۲۵. - علامه طباطبایی علی و فلسفه الهی ترجمه سید ابراهیم سیدعلوی ص ۷۱.
۲۶. - حضاره العرب فی صدر الاسلام ص ۱۱۷.
۲۷. - بلوغ العرب ج ۲ ص ۱۸۰.

100-100000-100000
100-100000-100000
100-100000-100000

عقل گرایی نهج البلاغه پرتوی از خودگرایی قرآن کریم (۲)

(بخش دوم و پایانی)

محمدحسن نادم

۱- توحید

اعتقاد به آفریدگار از آغاز آفرینش با فطرت آدمی آمیخته بوده است. پیش از فرستادن کتاب یا پیامبر الهی برای دعوت به سوی خدا آدمیان از هر نژاد و تیره و با هرگونه اندیشه ای براین باور بوده اند که جهان را آفریدگاری است. ولی آنچه باعث گمراهی و انحراف آنها می شد وجود موانعی بوده که بر راهنمای درونی شان رهزن می شده و نمی گذاشته است آن گونه که باید خدای خود را بشناسند. از این رو چون شناخت ژرفای عظمت و جلال او برکسی میسر نبوده و همگان از ورود به ساحت قدسی اش عاجز بوده اند در ورطه ساخت و سازهای ذهن بشری گرفتار آمده و هرکس به زعم خود او را به اشکال مختلفی تشبیه و تمثیل نموده است. قرآن در این باره می فرماید:

ولئن سألتهم من خلق السموات و الارض ليقولن الله : ۱ آنگاه که از آنها (مشرکان) پرسید که چه کسی آفریدگار آسمانها و زمین است بی تردید می گویند خدا.

توحید در طول تاریخ بشریت یکی از مسائل مهم اعتقادی و از دغدغه های جدی انسانها بوده و به عصر و مکانی خاص اختصاص نداشته است. بدین سبب بنا به حکمت الهی در هر زمانی پیام آوری برای دفع و رفع موانع و توجیه و راهنمایی بشر و احیای گوهر گرانمایه درونی اش فطرت مبعوث گردیده است تا با شعار « اعبدوا الله » (فقط خدای یکتا را پرستید) آنها را به سوی حق و حقیقت رهنمون شود.

در قرآن کریم نیز در موارد متعددی موضوع یگانگی خداوند بیان شده است اما از طرف دیگر وجود برخی آیات متشابه زمینه ساز طرح شبهاتی در پیرامون صفات خداوند شده است. این در حالی است که بعضی دیگر از آیات به صراحت گویای تنزیه و تقدیس الهی است:

- ۱- لیس کمله شی ۲ که بر تنزیه خداوند دلالت دارد.
- ۲- یدالله فوق ایدیهم ۳ که موهم جسم بودن خداوند است.
- ۳- فاینما تولوا فثم وجه الله ۴ گویای آن است که خداوند در سمت و سوی خاصی نیست.

۴- ثم استوی علی العرش ۵ گویای آن است که خداوند در جای مخصوصی قرار دارد .

۵- وجوه یومئذ ناضره الی ربها ناظره ۶ یعنی خداوند در معرض دید و نظر انسانها قرار دارد .

۶- لاتدرکه الابصار و هو یدرک الابصار۷ یعنی خداوند قابل رویت نیست .

برپایه آنچه بیشتر گذشت وجود این آیات در عصر رسول خدا(ص) کمتر مورد شبهه و پرسش قرار می گرفت

اما با گذشت زمان در پیرامون این آیات تردیدهایی پدید آمد و با تاسف فراوان به سبب ممنوعیت بیان و نگارش

حدیث کسی نتوانست آنچه را در این باره از رسول خدا (ص) شنیده است باز گوید .

پس از سپری شدن این دوران و رفع موانع در دوره خلافت امام علی (ع) گویا انبوه پرسشهای ناگفته و عقده

های وانشده به یکباره آشکار شد و آنکه می باید از عهده پاسخ برآید جز علی (ع) کس دیگری نبود .

می نویسند : « زمانی مردی به خدمت امیر مومنان علی (ع) رسید و گفت : ای امیر مومنان در کتاب خدا شک

کرده ام ! حضرت فرمود : وای به حالت ! چگونه و چرا گفت : زیرا آیاتی را یافته ام که یکدیگر را تکذیب می کنند.

چگونه شک نکنم ! حضرت فرمود : کتاب خدا و آیه های آن بعضی بعض دیگر را تصدیق می کند ولی شما از

درکی که بتواند چنین بهره ای ببرد محرومید « ۸ .

آری از همین زمان بود که مذاهب گوناگون پدید آمد و هرکدام با نگرش خاصی به تفسیر آیات قرآن پرداختند.

عده ای با استناد به ظاهر قرآن در تفسیر و تاویل آیات توقف کردند و گفتند : ورود در بحث ناظر به متشابهات قرآن

ممنوع است زیرا خود قرآن می فرماید : فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغا الفتنة و ابتغا تاویله و ما

یعلم تاویله الا الله و الراسخون فی العلم ... کسانی که در دلهایشان انحراف است برای فتنه جویی و جستن تاویل آن

(به دلخواه خود) از متشابه آن پیروی می کنند با آنکه تاویلش را جز خدا و ریشه داران در دانش کسی نمی دانند...۹

این گروه به اصحاب حدیث معروف شده اند ۱۰ .

عده ای دیگر راه تاویل تفسیر را پیمودند بی آنکه در این باره از دانش فراگیر بهره مند باشند. همان گونه که در

آیه پیش گفته آمده است : پیمودن این راه جز برای راسخون فی العلم ناممکن است .

در این میان امام علی (ع) بهترین راه و روش را برگزید و در جایگاه اولین استاد کلام اسلامی پس از پیامبر(ص)

(لب به سخن گشود و به محوری ترین مباحث اعتقادی (الهیات) پرداخت به گونه ای که از بزرگ ترین امتیازات و فضائل او همین جنبه علمی و آگاهی بی نظیر او در طرح این گونه مسائل است . امام علی (ع) خوب می دانست که سه مسئله بسیار مهم کلامی با سابقه ای بس کهن در اذهان عمومی وجود دارد که پیوسته آدمی دلمشغول آنها بوده است : ۱ - توحید ۲ - صفات خداوند ۳ - نحوه خلقت . از این رو لازم است به هر سه به صورت کافی پرداخته شود .

آن حضرت درباره ذات خداوند فرموده است :

مع کل شی لا بمقارنه و غیر کل شی لا بمزایله ۱۱ . او با همه چیز است نه به گونه ای که همتای چیزی واقع شود . و غیر از همه چیز است ولی نه آن گونه که از اشیا جدا باشد .

لیس فی الاشیا بوالج ولا عنها بخارج ۱۲ . در اشیا حلول نکرده و با این حال از هیچ چیز بیرون نیست .

بان من الاشیا بالقهر لها و القدره علیها و بانت الاشیا منه بالخضوع ۱۳ . مغایرت و جدایی او از اشیا به این است که او قاهر و قادر و مسلط بر آنهاست و مغایرت و جدایی اشیا از او به این نحو است که خاضع و منسخر پیشگاه کبریایی اویند .

الحمد لله الذی بطن خفیات الامور و دلت علیها اعلام الظهور ۱۴ . سپاس مخصوص خداوندی است که به امور پنهانی دانا است و نشانه های ظاهر بر هستی او دلالت دارد .

الحمد لله الدال علی وجوده بخلقه و بمحدث خلقه علی ازلیته ۱۵ . سپاس خدایی را سزااست که به وسیله آفریده هایش بر وجود و هستی خویش راهنماست و نوپیدایی آفریده هایش بر ازلی بودن او گواه است .

فالویل لمن جحد المقدر و انکر المدبر و زعموا انهم کالنبات مالهم من زارع ولا لاختلاف صورهم صانع ولم

یلجوا الی حجه فیما ادعوا والا تحقیق لما ادعوا و هل یكون بنا من غیریان او جنایه من غیر جان : ۱۶

وای بر کسی که ایجاد کننده را انکار کرده به نظم آورنده را باور ندارد . منکران آفریدگار گمان دارند که ایشان مانند گیاه و علفهای خودرویند که بدون برزگر می رویند و صورتهای گوناگونشان را آفریننده ای نمی باشد . و در آنچه ادعا کردند به حجت و دلیل متکی نبودند و آنچه باور نمودند برایشان محقق و یقینی نبود . آیا ساختمانی بدون

بنا کننده ممکن است پدید آید یا جنایتی بی جنایت کننده

یامن دل علی ذاته بذاته : ۱۷ ای خدایی که با نور وجود خود به ذات خویش راهنمایی !

فهو الذی تشهد له اعلام الوجود علی اقرار قلب ذی الجحود تعالی الله عما یقوله المشبهون به و الجاحدون له علوا کبیرا : ۱۸ اوست آفریدگاری که نشانه های هستی بر اقرار و اعتراف قلبی منکر او گواهی می دهد و خداوند از گفتار آنهایی که او را به آفریدگان تشبیه می کنند و کسانی که او را انکار می نمایند منزّه است .

آن حضرت درباره یگانگی خداوند فرموده است :

من وصفه فقد حده و من حده فقد عده و من عده فقد ابطل ازله : ۱۹ هر کس خدا را توصیف کند محدودش دانسته و هر که او را محدود بداند به شمارش درآورده و در آن صورت ازلیت الهی را رد کرده است .

دلیله آیاته و وجوده اثباته و معرفته توحیده و توحیده تمییزه من خلقه و حکم التمییز بینونه صفه لاینونه عزله انه رب خالق غیرمربوب مخلوق کل ما تصور فهو بخلافه ... لیس باله من عرف بنفسه هو الدال بالدلیل و المودی بالمعرفه الیه ۲۰. آیات و نشانه های قدرت برهان قطعی بر اثبات هستی خداست بلکه وجود او گواه هستی او است . شناخت او همان یگانه دانستن اوست و توحید واقعی جدا دانستن او از مخلوقات است و مقتضای جدا دانستن این است که این جدایی از سنخ جدا بودن صفت از موصوف است نه از نوع جدایی آنچه بر کنار و بی ارتباط است . او خدا و آفریدگار مطلق است و خود آفریده و پرورده شده نیست . هر چه در ذهن تصور شود او برخلاف آن است ... آنچه به تمام ذات و حقیقت شناخته گردد خدا نیست او است که با گواهی (غیر از ذاتش دیگران را) به خود رهنمون می شود. ابن میثم بحرانی در شرح این گفتار می نویسد :

امام علی (ع) در این کلام برای خداوند صفاتی ثبوتی و سلبی را برشمرده و او را از هر کیفیتی که گویای جسمیت او باشد منزّه می داند و بر هر چه به توحید مطلق بینجامد اصرار دارد ۲۱ .

زیرا کیفیات با ذات واجب الوجودی او تعارض دارد و با جسمیت سازگار است و او منزّه است از اینکه مثل یا شبیهی - آن گونه که دیگران برای او قائل شده اند - داشته باشد زیرا مثل و شبیه داشتن با وحدت و وجوب ذات باری سازگار نیست چون هر چه در خیال و وهم آدمی بگنجد همه سایه و شبیح های اجسام است نه خداوند ۲۲ .

ابن ابی الحدید در این باره می گوید :

اگر خدا آن گونه است که علی (ع) گوید - که در ذات خود شبیه و نظیر و کیفیت ندارد - به هیچ چیز مثل اجزا جوارح اعضا اعراض حد نهایت و انقطاع توصیف نمی شود یعنی همان که علی (ع) فرمود (لیس فی الاشیا بوالج و لاعنها بخارج) نه داخل در اشیا است و نه خارج از اشیا ۲۳.

مرحوم شیخ صدوق در شرح این جملات می نویسد :

امام علی (ع) هر آنچه را که دلالت بر جسمیت خداوند کند از او سلب کرده است . (۲۴)

بنابراین امام (ع) با بیان خود بذکر اختلاف در باره دیدن خداوند را و نیز زمینه جدال میان مشبهه و کرامیه و اشاعره و معتزله را برچیده است . امام (ع) با تکیه بر آیات قرآن بر همه اندیشه های ناصحیح خط بطلان می کشد و در پاسخ به سؤال « ذعلب » به بیان معنای تشبیه و تنزیه و ذکر صفات حق تعالی می پردازد و مجموع حواس ظاهری و خیالات و اوهام را از دسترسی به ذات اقدس الهی عاجز می داند و در این باره نکاتی بیان می کند که هیچ کس قبل از او نفرموده است . آن حضرت در این زمینه می فرماید : حجب بعضها لیعلم ان لاحجاب بینه و بین خلقه غیر خلقه : حجاب بین خداوند و بنده خود بنده است .

۲. صفات خداوند

یکی از جنجالی ترین مباحث میان فرقه ها و نحله های کلامی که در ادیان گذشته نیز سابقه داشته است موضوع صفات ثبوتیه و سلبيه خداوند است . (۲۵) امام علی (ع) در تشریح توحید ذاتی هرگونه صفتی را زاید بر ذات خداوند و در تضاد با وحدت وجود او می داند (۲۶) و می فرماید :

اول الدین معرفته و کمال معرفته التصدیق به و کمال التصدیق به توحیده و کمال توحیده الاخلاص له و کمال الاخلاص له نفی الصفات عنه لشهاده کل صفة آنها غیر الموصوف و شهاده کل موصوف انه غیر الصفة فمن و صف الله سبحانه فقد قرنه و من قرنه فقد ثناه ... (۲۷) سرلوحه دین شناخت خداست و درست شناختن او باور داشتن او و درست باور داشتن او یگانه دانستن او اخلاق داشتن نسبت به او و صفتها را از او زدودن . زیرا هر صفتی گواه است که غیر از موصوف است و هر موصوف نشان دهد که از صفت جداست . هر که او را با صفتی همراه داند او را

با چیزی همراه دانسته است و این نظر به دو تایی خدا می انجامد و ...

و در جای دیگر می فرماید :

مستشهد بکلیه الاجناس علی ربوبیته و بعجزها علی قدرته و بفلورها علی قدمته و بزوالها علی بقائه فلا لها محیص عن ادراکه ولا خروج من احاطته بها ولا احتجاب من احصائه لها و لامتناع من قدرته علیها کفی با تقان الصنع لها آیه و بمرکب الطبع علیها دلالة و بحدوث الفطر علیها قدمه و باحکام الصنع لها عبره فلا الیه حد منسوب و لاله مثل مضروب . (۲۸)

همه اجناس و انواع موجودات بر ربوبیت او گواه اند و ناتوانی حدوث و زوال پدیده ها دلیل قدرت ازلیت و بقای وجود حق تعالی است . اشیا را از اینکه متعلق ادراک او باشند گریزی نیست و هیچ چیز از احاطه علمی او بیرون نیست . شماره و عدد آنها بر خدا پنهان نیست و همه چیز به طور کامل متعلق قدرت الهی هستند . با صفت استوار و طبیعت پیچیده ای که دارند نشانه کافی ای بر پروردگار هستند . و حدود که لازمه پدیده هاست برای اثبات قدیم بودن او کافی است و ظرافتهایی که در طبع آنها به کار رفته برای منکران آفریدگار مایه عبرت است . پس به او نمی شود حدی نسبت داد و نه برای او می توان مثلی زد که به درستی واقعیت او را روشن کند .

مقایسه روش قرآن کریم و امیرالمومنین (ع) در قبال مسائل اعتقادی حکایت از آن دارد که میان گفتارهای این دو کتاب تشابه کامل وجود دارد . محمد جواد مغنیه در مقدمه شرح خود بر نهج البلاغه می نویسد :

موضوعات نهج البلاغه مانند قرآن متنوع است . امام علی (ع) از خدا و صفات او و از پیامبر (ص) و روز قیامت سخن گفته و از همان راهی که قرآن در اثبات وجود خدا پیموده پیروی کرده است و آن تکیه کردن بر منطوق حس و عقل است . (۲۹)

محمد امین و اوی گوید :

علی (ع) به همه قرآن احاطه داشت و از اسرارش آگاه بود و قرآن با خون و گوشت علی (ع) در آمیخته بود . این حقیقت را کسی در می یابد که نهج البلاغه را مطالعه کند . (۳۰)

زمانی که از نامها و صفات خدا پرسش می شود می فرماید : ای سوال کننده بنگر که قرآن چه می گوید . هر

صفتی را که قرآن برای خداوند دانسته تو هم همان را بپذیر و از نورانیت قرآن استفاده کن و مواظب باش شیطان تو را به آنچه در قرآن و روایات پیامبر(ع) و پیشوایان هدایت وجود ندارد معتقد نسازد و علم آن را به خدا واگذار کن که نهایت حق خدا بر تو این است. (۳۱)

امام علی (ع) فرا روی پژوهندگان راه توحید و معرفت پیروی از کتاب خدا و گفتار و رفتار رسول خدا(ص) و خاندان معصوم آن حضرت را به عنوان تنها راه نیک فرجام معرفی می کند. آنان که این راه را بدون این شیوه پیموده اند همه به گمراهی فرو افتاده اند.

۳. وجود خداوند

از دیر زمان وجود خدا کمتر مورد انکار و تردید بوده است ولی همواره کسانی بوده اند که غیر او را به جای او خدا پنداشته و به پرستش شرکت آمیز پرداخته اند. مشرکان با اعتقاد به وجود آفریدگار برای وی شریک قائل بودند و گمان می کردند که خدایانی ضعیف تر در جهان وجود دارند که از خدای بزرگ فرمان می گیرند و به کار جهان می پردازند. این گروه ها در همه اعصار وجود داشته و هر یک برای اثبات ادعای خود دلایلی ارائه می کرده یا به شبهه پراکنی می پرداخته اند. امام علی(ع) در دفع شبهات این گروه ها پیوسته می کوشید و در این باره فرموده است:

فظهرت البدائع التي احداثها آثار صنعته و اعلام حکمته فصار كل ما خلق حجة له و دليلا عليه و ان كان خلقا صامتا فحجته بالتدبير ناطقه و دلالته على المبدع قائمه (۳۲).

این گفتارها همه بر بدیهی بودن وجود خداوند دلالت دارد زیرا او با همه چیز که به عیان دیده میشود همراه است. اگر چه آفریده ها همه خاموش اند بر تدبیر او گویا و بر وجود پدید آورنده خود به وضوح دلالت دارند. نیز فرموده است: اعرفوا الله بالله و الرسول بالرساله. (۳۳) خدا به وسیله خودش و پیامبر نیز از راه پیامبری اش شناخته می شود.

لاتشبهه صوره و لایحس بالحواس و لایقاس بالناس (۳۴) او را به هیچ شکلی نمی توان تشبیه کرد و نمی شود با حواس او را حس کرد و با آدمیان مقایسه نمی شود. پی بردن به وجود او فقط از راه حواس نیست همان گونه که

فقط به کمک عقل نمیتوان او را شناخت .

لم يطلع العقول على تحديد صفته و لم يحجبها عن واجب معرفته (۳۵) .

خردها را به چگونگی صفات خود آگاه نکرده و در شناخت خود تا آنجایی که باید بر خردها پرده نینداخته

است .

۴. چگونگی خلقت

از دیگر مباحث کلامی که آدمی را از گذشته با پرسشهای گوناگونی روبه رو ساخته است چگونگی آفرینش

جهان و هدف آن است . در این باره میان فیلسوفان اختلاف نظر فراوان وجود داشته و دارد . (۳۶) امام علی (ع)

کامل ترین نظریه فلسفی را با گفتاری نه چندان طولانی چنین بیان کرده است :

لم يخلق الاشيا من اصول ازليه و لا من اوائل ابدیه بل خلق ما خلق فاقام حده و صور فاحسن صورته : (۳۷)

چیزها را از ماده ای ازلی نیافرید و نه از الگوهای نخستین ابدی بلکه آفرید آنچه را آفرید و حد آن را برپاداشت و

(به آنها) صورت داد و در نیکوترین صورتش نگاشت .

خلق الخلائق علی غیر مثال خلا من غیره و لم يستعن علی خلقها باحد من خلقه : (۳۸) خلایق را بیافرید بی

نمونه ای که از دیگران به جای مانده باشد و در آفرینش آنها از هیچ یک از آفریدگان یاری نخواست .

فمن فرغ قلبه و اعلم فکره لیعلم کیف اقامت عرشک و کیف ذرات خلقک و کیف علققت فی الهوا سمواتک و

کیف مددت علی مور الما ارضک ... رجع طرفه حسیرا و عقله مبهورا و سمعه والها و فکره حائرا : (۳۹) پس کسی

که دل خود را تهی سازد و اندیشه اش را به کار گیرد تا بداند چگونه عرش را برپا داشته و آفریدگان را آفریده ای و

آسمانهایت را برافراشته و زمینت را بر موج آب گسترانیده ای ... نگاهش حسرت بار و خردش سرگردان و شنوایی

او آشفته و اندیشه اش حیران می گردد .

آری نهج البلاغه در میان کتابهای روایی و آثار در بردارنده سخنان معصومان (ع) گوی سبقت را ربوده و از

درخشش بیشتری برخوردار است . اما از طرفی این ویژگی به طور مشترک در همه منابع روایی و سخنان اهل البیت

(ع) وجود دارد که به شیوه تعقلی قرآن به شبهات روزگار خود پاسخ داده اند و بدین وسیله از اسلام راستین دفاع

کرده اند. اینک در اکثر کتابهای کلامی و روایی انبوه این اخبار مشاهده می شود که آن بزرگواران همانند امام علی (ع) در استدلالهای خود مباحث را به شیوه تعلیلی مطرح نموده اند.

پاورقی :

- ۱- لقمان ۲۵
- ۲- سورا ۱۱
- ۳- فتح ۱۰
- ۴- بقره ۱۱۵
- ۵- اعراف ۵۴
- ۶- قیامت ۲۲
- ۷- انعام ۱۰۳
- ۸- ابن ابی الحدید شرح نهج البلاغه ج ۱۶ ص ۱۶۳ توحید صدوق ص ۲۵۵
- ۹- آل عمران ۷. به اعتقاد شیعه دستیابی به تمام حقایق جز برای امامان معصوم (ع) (راستخان علم) امکان ندارد.
- ۱۰- شهرستانی ملل و نحل ج ۱ ص ۱۰۴
- ۱۱- نهج البلاغه خ ۱
- ۱۲- همان خ ۱۸۴
- ۱۳- همان خ ۱۵۰
- ۱۴- همان خ ۴۹
- ۱۵- همان خ ۱۵۲
- ۱۶- همان خ ۱۸۵
- ۱۷- دعای صباح و دعای عرفه.
- ۱۸- نهج البلاغه خ ۴۹
- ۱۹- همان خ ۱۵۲
- ۲۰- احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۴۷۶ بحارالانوار ج ۴ ص ۲۵۳
- ۲۱- ابن مثم بحرانی شرح نهج البلاغه ج ۴ ص ۱۵۱
- ۲۲- محمدجواد مغنیه فی ظلال نهج البلاغه ج ۳ ص ۶۷
- ۲۳- ابن ابی الحدید شرح نهج البلاغه ج ۱۳ ص ۸۱ و ۸۲
- ۲۴- توحید صدوق ص ۳۲۰
- ۲۵- شهرستانی ملل و نحل ج ۱ ص ۴۴ ۴۵ و ۹۵
- ۲۶- علامه حلی شرح تجرید ص ۱۷۲ و ۱۷۳
- ۲۷- ابن ابی الحدید شرح نهج البلاغه ج ۱ ص ۷۲ و ج ۳ ص ۲۱۶
- ۲۸- توحید صدوق ص ۷۱
- ۲۹- فی ظلال نهج البلاغه ج ۱ ص ۹
- ۳۰- مصادر نهج البلاغه ص ۱۰۰ - ۱۰۶ به نقل از عبدالزهره حسینی (باتلخیص).
- ۳۱- ابن ابی الحدید شرح نهج البلاغه ج ۶ خ ۹۱ ص ۴۰۲
- ۳۲- نهج البلاغه خ ۹۱
- ۳۳- اصول کافی ج ۱ ص ۸۵
- ۳۴- توحید صدوق ص ۲۸۵
- ۳۵- ابن ابی الحدید شرح نهج البلاغه ج ۳ خ ۴۹ ص ۲۱۶
- ۳۶- ر. ک : من الفلسفه اليونانیه الی الفلسفه الاسلامیه ص ۱۳۳
- ۳۷- ابن ابی الحدید شرح نهج البلاغه ج ۹ ص ۲۵۲ و ۲۵۳ خ ۱۶۳
- ۳۸- نهج البلاغه خ ۱۸۶
- ۳۹- ابن ابی الحدید شرح نهج البلاغه ج ۹ ص ۲۲۲ خ ۱۶۰

17237